

شخصیت قرآنی و کریمانه

امام حسن مجتبى (ع)



مهناز (حیم پور)

چکیده

مقاله حاضر با عنوان شخصیت قرآنی و کریمانه امام حسن (ع)، به توضیح و تبیین شخصیت و فضایل امام حسن (ع) در آیات و روایات فرقانی و توصیف شخصیت کریمانه آن حضرت می پردازد. امام حسن (ع) از شخصیت ها، اسوه ای مشهور اخلاقی است که شخصیت انسان کریم و رفتار کریمانه را بر اساس سیره رفتاری آن حضرت می توان ترسیم کرد. شخصیت کریمانه تجلی خلق عظیم قرآنی در سیره اجتماعی نسبت به دوست و دشمن نمایان می گردد که مبتنی بر حلم و عقل سلیم است و مفهوم حلم حسنی از شیوه رفتاری امام مجتبی (ع) با دوستان و دشمنان اهل بیت (ع) به دست می آید. عقل سلیم و طهارت تکوینی و نفسانی و شرافت نسب و نفاست ذاتی از عوامل موثر برگزیدگی امام مجتبی (ع) در بین برگزیدگان الهی است. زیرا وی شبیه ترین مردم در خلق و خوی و خلقت، به پیامبر اعظم (ص) و نخستین ثمره شجره بوستان نبوی است.

کلیدواژه ها: امام حسن (ع)، آیات قرآنی، روایات، رفق و مدارا، حلم و عقل، عزت.

مقدمه

دومین مهر سپهر ولایت امامت، برگزیده اولیاء، مکتبی به ابو محمد و ملقب به مجتبی،

سید و سبط اکبر است. نام شریفش در کتب آسمانی پیشینیان مذکور و نزد انبیاء اعظام اوصیای ایشان مشهور به شَبْر معادل حَسَن در عربی است که نبی مکرم اسلام از جانب خداوند متعال بر او نهاده است. ^۱ ایشان از اهل بیت (ع) و از جمله اصحاب کساء است که خلقت آفرینش به سبب وجودی آنان ایجاد گردیده، از این رو احدی را با ایشان نمی توان قیاس کرد. ^۲

آنان معدن رحمت و سجایای کریمانه اند. زیرا مظاهر اسماء حسناى الهی می باشند، ^۳ و در این میان حسنین (ع) مستجمع صفات محمدیه و علویه و تجلی حقیقت فاطمی هستند، از این رو در مراتب کمالات همتای مادر قدسی و بی نظیرشان می باشند. آنان منظومه شرافت و کرامت و سجایای اخلاقی در باطنند، و در ظاهر پرتو حسن و جمال انسیه حوراء هستند. سیادت و عزت در آنان مستقر گشته و از آنان متجلی می گردد. درباره فضایل حسنین (ع) از رسول خدا (ص) روایات بسیاری نقل گشته که حکایت از علاقه وافر آن حضرت به این دو برادر دارد که به طور علنی محبت خویش را نسبت به آنان ابراز می فرمود.

با پایین آمدن از منبر و با بوسیدن و کام به دهان آنان گزاردن و آنان را بر پشت خود سوار کردن، اظهار محبت می نمود. ^۴

افزون بر آن که از رسول خدا (ص) نقل شده، که در وقت اظهار محبت به فرزند دلبندهش امام حسن (ع) فرمود: شاهدان این ابراز علاقه را به غائبین برسانند. ^۵

قرآن کلام صامت الهی است که حقیقت و مفسر و مبین آن اهل بیت (ع) می باشند. اما خداوند متعال جهت صیانت قرآن کریم از تحریف، نام آن بزرگواران را به صراحت بیان نکرده است. ^۶

آیاتی را که ناظر به اهل بیت (ع) می باشد برخی درباره مناقب و فضایل آنان نازل شده و دسته ای قابل تفسیر و تأویل می باشد که در کتب روایی و شأن نزول به آنها اشاره شده است. این مقاله ابتدا به تبیین شخصیت قرآنی امام حسن (ع) پرداخته، سپس به توضیح شخصیت کریمانه آن حضرت می پردازد.

امام حسن (ع) در نخستین خطبه خویش در معرفی خود می فرماید:

من حسن فرزند رسول الله (ص) هستم. من فرزند بشیر و ندیم، من فرزند دعوتگر به سوی خدا به اذن او و با چراغ روشن هستم. من از اهل بیتی هستم که خداوند رجس و پلیدی را از آنان دور و آنان را تطهیر کرده است، کسانی که خداوند دوستی آنان را در کتاب خود واجب کرده «و هر که کار نیکی کند به نیکویی اش می افزایم».

پس کار نیک همان دوست داشتن ما اهل بیت (ع) است.^۷
 از جمله آیاتی که درباره اهل بیت نازل شده و ناظر بر امام حسن (ع) نیز می باشد آیات مشهور زیر است: تطهیر، مباحله، ذی القربی، اولوالامر، سوره انسان و مصباح در آیه نور، آیات ۲۴ و ۲۵ سوره ابراهیم و آیات ۱۹ تا ۲۱ سوره الرحمن می باشد، که در این گفتار به توضیح مختصر این آیات می پردازیم.

آیه تطهیر

نبی اکرم اسلام (ص) در خانه ام سلمه بود که آثار رحمت الهی را مشاهده کرد، سپس آیه تطهیر نازل گشت: **اِنَّمَا يَرِيْدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلِ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا** (احزاب، ۳۲/۳۳) آن حضرت، صدیقه طاهره فاطمه زهرا (س)، حسنین (ع) و امیرمومنان علی (ع) را در زیر کساء جمع کرد، سپس فرمود: **«اللّٰهُمَّ هَوِّءْ اَهْلَ بَيْتِي فَادْهَبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا»**.^۸

در این آیه اراده خداوند، اراده تشریحی نمی تواند باشد بلکه با توجه به شأن پیامبر اعظم (ص) تکوینا اراده خداوند تعلق گرفته تا آنان از هرگونه گناه و آلودگی مبرا باشند.^۹
 آیه تطهیر، حاکی از اراده پاکی و انتساب ویژه ای برای فاطمه زهرا (س) و همسر و فرزندان او و نشانه عظمت و اهمیت آنان است و بزرگترین دلیل بر عصمت آن بزرگواران می باشند.

آیه مباحله

بعد از فتح مکه در سال نهم هجری گروه های بسیاری از مناطق دور و نزدیک برای پذیرش اسلام و با بحث و مناظره به حضور رسول خدا (ص) می آمدند. گروهی از نصاری نجران به مدینه خدمت رسول گرامی (ص) رسیدند و درباره موضوعات متفرقه و خلقت مسیح (ع) از آن جناب مطالبی پرسیدند و چون راه مغالطه می پیمودند آیه مباحله نازل شد: **فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهٖ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَنِسَاءَنَا وَنَسَاءَكُمْ وَأَبْنَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ** (آل عمران، ۶۱/۳)
 فردای آن روز نصاری با علمای خود بیرون آمدند و نبی اکرم (ص) با علی (ع)، فاطمه (س) و حسن و حسین (ع) حاضر شدند.^{۱۰}

حضور حضرت ابامحمد حسن (ع) در بین اصحاب کساء در جریان مباحله نشانه اعتبار و شخصیت با اهمیت ایشان و برادر عالیقدرشان، در نزد خدا و رسول اوست.

آیه اولوالامر

امام حسن(ع) ضمن خطبه ای به مردم می فرماید:

ما حزب الله رستگاریم، ما عترت نزدیک رسول خدا(ص) هستیم. ما اهل بیت طیب و طاهر و یکی از دو ثقلین هستیم که رسول خدا(ص) در میان شما باقی گذاشت و دیگری کتاب خداست که از هیچ سوی باطل در آن راه ندارد... پس می فرماید: پس از ما اطاعت کنید که اطاعت ما واجب است زیرا ملحق به طاعت از خدا و رسول، و اولی الامر است. ۱۱

بنابه روایت کلینی از ابوبصیر از امام باقر(ع): هنگامی که از آن جناب راجع به آیه: یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم (نساء، ۵۹/۴) سؤال کردند اولوالامر چه کسانی هستند؟ آن حضرت فرمودند: این آیه درباره علی(ع)، حسن و حسین(ع) نازل شده است. ۱۲

آیه مودت

قرآن کریم درباره پاداش زحمات پیامبران در امر هدایت ایشان به مردم می فرماید: آنان پاداش و مزدی از شما نمی خواهند بلکه آن پاداش و مزد بر عهده خداوند است. ۱۳ اما در مورد پیامبر خاتم(ص) می فرماید:

قل لا استلکم علیه اجرا إلی المودة فی القربی (شوری، ۲۳/۴۲)؛ بگو من از شما در برابر زحمات (تبلیغ و رسالت) مزدی نمی خواهم مگر دوستی نزدیکانم را.

بنا به روایت ابن عباس وقتی این آیه نازل شد مردم گفتند: ای رسول خدا(ص) نزدیکان که دوستی آنان را بر ما واجب ساخته ای چه کسانی هستند؟ فرمودند(ص): علی(ع) فاطمه(س) و دو فرزندش (حسن و حسین)

سوره انسان

مفسران شیعه و بسیاری از علمای اهل سنت روایت کرده اند مجموع این سوره و یا حداقل ۱۸ آیه از این سوره، از آیه: إنّ الابرار یشرّبون من کأس کان مزاجها کافورا، تا پایان آیه: و سقّئهم ربهم شرابا طهورا (انسان، ۲۱-۴/۷۶) درباره علی(ع)، فاطمه(س) و حسنین(ع) نازل گردیده، زیرا آنان در ادای نذر خود پس از شفای حسنین(ع) از بیماری در سه نوبت مسکین و یتیم و اسیر را با افطار خود، با آنکه شدیداً نیاز داشتند، به قصد قرب الهی سیر

کردند و خود گرسنه ماندند و خداوند متعال با این آیات آنها را ستایش فرمود و این سوره را به خاطر آنان نازل کرد. ۱۴

مرورید دریای علم و عصمت

در تاویل مصداق آیه: **مرج البحرين يلتقيان . بينهما برزخ لا يبغيان** (الرحمن، ۵۵/۱۹-۲۰)؛ دو دریا را جاری کرد و به هم رسیدند، و میان آنها حائلی است. صاحب مجمع روایت نموده: بحرین در این آیه دو دریای علم و عصمت، علی (ع) و فاطمه (س) هستند که میان آن دو رسول خدا (ص) حائل است و آیه: **يُخْرِجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤَ وَالْمَرْجَانَ**، و از آن دو دریا مرورید و مرجان را خارج می کند. **لؤلؤ حسن و مرجان حسین** (ع) است. ۱۵

مصباح در آیه نور

قرآن کریم در سوره نور می فرماید: **اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِ كَمَشْكُوتَةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي الزَّجَاجَةِ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دَرِّيٌّ يوقِدُ مِنْ شَجَرَةٍ مَبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ...** (نور، ۲۴/۳۵)؛ خدا نور آسمانها و زمین است. مثال نور او محفظه ایست که در آن چراغی باشد و چراغ در شیشه ای. شیشه ای که گوئی ستاره ایست درخشان، و آن چراغ با روغن زیتی صاف روشن باشد که از درخت پر برکت زیتون گرفته شده باشد....

بنابه روایت کلینی، به سند خود از صالح بن سهل همدانی از امام صادق (ع) آمده است: **مشكاة فاطمه (س) و مصباح حسن و زجاجة حسين (ع) و شجرة مباركة ابراهيم خليل (ع) است و نور علی نور امامی بعد از امام دیگر است.** ۱۶

ثمره شجره نبوت

خداوند متعال در مصحف می فرماید: **ألم تر كيف ضرب الله مثلا كلمة طيبة كشجرة طيبة أصلها ثابت وفرعها في السماء. تؤتي أكلها كل حين باذن ربها و يضرب الله الأمثال للناس...** (ابراهيم، ۱۴/۲۴-۲۵)؛ مگر ندیدی خدا چگونه مثالی زد، سخن نیک چون نهال نیک است بیخش در زمین استوار است و شاخه اش رو به آسمان. همیشه به اذن پروردگارش میوه خود را می دهد. خدا این مثال ها را برای مردم می زند....

علامه طباطبایی می فرماید:

کلینی به سند خود از عمرو بن حرث نقل می کند از امام صادق (ع) درباره آیه شریفه

سوال شد. فرمودند: رسول خدا(ص) اصل آن و امیر مومنان علی(ع) فرع آن و امامان از ذریه او شاخه های آن و علم امامان میوه آن است و برگهای آن شیعیان هستند. صاحب المیزان در بحث روایی این دو آیه می فرماید:

روایت از باب تطبیق کلی بر مصداق است. و در بعضی روایات وارد شده: درخت رسول خدا(ص) و فرع آن علی(ع) و شاخه اش فاطمه(س) و ثمره اش اولاد فاطمه، و برگ آن شیعیانند. ۱۷

شخصیت کریمانه

کریم از ماده کَرَم و کرامت به معنای سخاوت، شرافت، نفاست و عزت و فضیلت در کاربرد قرآن به کار رفته است. ۱۸

کریم از اسمای حسناى الهی است که در غیر خدا نیز به کار می رود. به گفته راغب اصفهانی واژه کَرَم اگر وصف خدا واقع شود مراد از آن احسان و نعمت آشکار خداست و اگر وصف انسان باشد، نام اخلاق و افعال پسندیده اوست که از وی ظاهر می شود، و به کسی کریم نمی گویند مگر بعد از آنکه آن اخلاق و افعال از وی ظاهر گردد، ۱۹ و هر شئی که در نوع خود شریف باشد با کرم توصیف می شود، و براساس آیه شریفه **إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ** (حجرات، ۱۳/۴۹)؛ محترم ترین و شریف ترین انسانها در نزد خدا پرهیزکارترین مردم است. اما این واژه در اصطلاح عامه مردم غالباً به معنای سخی و بخشنده استعمال می شود. کریم، سجویه ای است نفسانی و عنایت و شرافت دادن به خصوصیتی است که در دیگران نباشد، برخلاف تفضیل که منظور از آن اینست که شخص مورد تفضیل از دیگران برتری یابد. ۲۰

بر اساس آیه شریفه **و لقد کرّمنا بنی آدم و حملناهم فی البرّ و البحر...** (اسراء، ۷۰/۱۷) گرامی داشت انسان، به وسیله ارزانی شدن نعمت های گوناگونی است که به صورت های مختلف بر او عطا شده، که شریف ترین و مهمترین آنها عقل و قدرت تعقل و تفکر است. امیر مومنان(ع) در توصیف انسان کریم می فرماید:

اولی الناس بالکرم من عرف به الکرّم؛ شایسته ترین مردم به بزرگواری کسی است که بزرگواری را با او بسنجند. ۲۱

امیر مومنان علی(ع) می فرماید:

آنکه خود را گرامی بدارد، هوی و هوس خود را خوار می‌سازد و مخالف هوی خویش عمل می‌کند، در جای انتقام با عفو و گذشت و در حال فقر و تنگدستی آنچه را مطلوب نفس خویش است وا می‌گذارد و از در بزرگواری وارد می‌شود. خوشا به حال کسی که خود را کوچک می‌شمارد، کسب و کارش پاکیزه و جانش پاک و اخلاقش نیکوست. مازاد بر مصرف زندگی را در راه خدا بخشش می‌کند و زبان را از زیاده‌گویی باز می‌دارد، آزار او به مردم نمی‌رسد و سنت پیامبر (ص) او را کفایت کرده و بدعتی در دین خدا نمی‌گذارد. آن کس که خدا او را مالی بخشیده باید به خویشاوندان خود بخشش نماید و سفره مهمانی خود را بگستراند، اسیر را آزاد و رنجیده را بنوازد و مستمندان را بهره‌مند کند. قرض وام‌دار را پردازد و برای درک ثواب الهی در برابر پرداخت حقوق دیگران و مشکلاتی که در این راه می‌رسد شکیباً باشد، زیرا به دست آوردن صفات یادشده موجب شرافت و بزرگی دنیا و درک سرای آخرت است. ۲۲

آنچه از کاربرد قرآنی واژه کریم در لغت و روایت به دست می‌آید در مجموع همان اخلاق و افعال پسندیده‌ای است که درسیره فردی و اجتماعی انسان کریم ملاحظه می‌گردد که بر اصل تکریم به معنای منزه‌داشتن و حرمت‌نگه‌داشتن و گرامی‌داشتن و بزرگواری شمرده است، ۲۳ در تعامل‌های انسانی، برخوردها و رفتارهای اجتماعی و روابطی که انسانها با هم برقرار می‌کنند تابع دو دیدگاه است یا برمبنای دیدگاه کرامت است یا برمبنای دیدگاه اهانت، بر اساس این دو نگرش به انسان، روابط انسانی و اجتماعی یا مبتنی بر تکریم است یا مبتنی بر تحقیر و تخفیف. ۲۴

راه و رسم پیامبران در رفتار با انسان براساس محور کرامت استوار بوده و آنان چون کریم‌اند در روابط اجتماعی و تعامل انسانی برمبنای کرامت رفتار می‌کردند و تا انسان کریم نباشد نمی‌تواند تکریم کند و رسول خدا (ص) با کرامت‌ترین انسانها بود چنانکه سیره نویسان در وصف آن حضرت نوشته‌اند: «کان اکرم الناس ۲۵؛ پیامبر با کرامت‌ترین مردمان بود.» و امیرمؤمنان علی (ع) درباره پیامبر می‌فرماید: «کان رسول الله اکرمهم عشیره؛ رسول خدا گرامی‌ترین شخص خاندانش بود.» ۲۶ و همچنین می‌فرماید: قرارگاه پیامبر (ص) بهترین قرارگاه و محل پرورش و خاندان او شریف‌ترین پایگاه است که در معدن کرامت و سلامت

رشد کرده اند. قرآن کریم در وصف خُلق و خوی نبی مکرم (ص) می فرماید: **إِنك لعلی خُلق عظیم** (قلم، ۴/۶۸)، ای پیامبر همانا تو دارای خلق عظیمی هستی.

بنابراین انسان کریم در تعالیم دین مصداقی از انسان کامل است که مسجود ملائکه و به سبب تعلیم اسماء الهی از جانب خداوند و ظهور استعدادهایی که در او به ودیعه نهاده شده، آن ودایع از حالت قوه به فعلیت رسیده و معیار و میزان انسانهای بافضیلت قرار می گیرد، زیرا چنین انسانی تجلی گاه اسماء و صفات جمال و جلال الهی است. چنین انسانی در درجه نخست صاحب خلق عظیم پیامبر (ص) می باشد، و در مرتبه بعد کسانی که براساس آیه تطهیر و مباحله در علم و عصمت و ویژگیها و خصائص هم افق ایشان می باشند و پرورش یافتگان مکتب وحی و اوصیای آن حضرت می باشد.

آنچه از کاربرد واژه کریم و از سیره فردی و اجتماعی چنین انسانی به دست می آید مبتنی بر اصولی است که در مجموع محل ظهور اخلاق و آثار و افعال پسندیده ای است که شخصیت کریم را از سایرین ممتاز می گرداند.

از جمله چهره های برجسته اخلاقی که رفتار و کردارش روشنگر راه هدایت پیشگان است امام حسن (ع) می باشد و ما در خلال مطالعه در زندگانی آن حضرت و سیره فردی و اجتماعی آن جناب، رفتار کریمانه را در تعامل اجتماعی در می یابیم. اکنون به بیان سه اصل که از رفتار کریمانه امام حسن (ع) بدست می آید می پردازیم:

اصل رفق و مدارا مبتنی بر حلم

کتاب الهی و راه و رسم نبوی به تربیتی راه می نماید که مریبان آن اهل مدارا و رفق ورزی و گذشت و بردباری و ملایمت و آسان گیری اند.

خداوند بندگان نمونه خود یعنی عباد الرحمن را با این گونه اوصاف، ممتاز کرده است:

بندگان خدای رحمان کسانی اند که روی زمین به نرمی گام برمی دارند و چون نادانان

ایشان را طرف خطاب قرار دهند به ملایمت پاسخ می دهند. و آنانند که در حال

سجده یا ایستاده شب را به روز می آورند... و کسانی که چون انفاق کنند نه ولخرجی

می کنند و نه تنگ می گیرند و میان این دو حد وسط را برمی گزینند...^{۲۸}

همه بندگان خداوند که متصف به صفات او باشند در تعاملات اجتماعی چنین

خواهند بود: **إدفع بالّتی هی أحسن فاذا الذی بینک و بینه عداوة كأنه ولیّ حمیم** (فصلت، ۴۱/)

۳۴؛ بدی را با نیکی دفع کن ناگاه خواهی دید همان کسی که میان تو و او دشمنی است گویا دوستی گرم و صمیمی است. آنکه تربیت قرآنی و نبوی در وجودش جلوه یابد اهل رفق و مدارا می گردد و گذشت و بزرگواری، ملایمت و آسان گیری و حلم و بردباری بر رفتارش حاکم می شود.

نمونه چنین رفتاری در رویاروی با جاهلانی است که از سر نادانی به بیان سخنانی زشت و ناروا می پردازند. پاسخ چنین تربیت شدگانی سلام و مدارا است، سلامی که نشانه بی اعتنایی توأم با بزرگواری است نه ناشی از ناتوانی. سلامی که نشانه رفق ورزی و بردباری و بزرگواری است.

در تعامل اجتماعی بدون این امور، هیچ انسانی مسیر پر فراز و نشیب عبودیت و بندگی را نمی تواند طی کند. پیامبر اکرم (ص) مرکز ثقل این ویژگی ها است و اوصیای آن حضرت با توجه به آیه تطهیر و مباحله، برترین جلوه های تربیت شده الهی هستند. مدارا و رفق ورزی، آسان گیری با مردم، برخاسته از حلم است. این خصیصه برخاسته از بصیرتی نورانی است و انسان این گونه نمی شود مگر با انوار توحید و معارف الهی.

الحلم سراج الله يستضيء به صاحبه الى جواره ولا يكون حلیم الا المؤید بانوار

المعرفة و التوحید. ۲۹

امیرمومنان علی (ع) می فرماید:

علیک بالحلم فانه ثمرة العلم؛ بر تو باد به حلم و بردباری که آن میوه دانش و

دانایی است. ۳۰

به میزانی که روح انسان لطیف تر و دانش آدمی عمیق تر و دانایی او صحیح تر باشد، جهت گیری و رفتار و مناسباتش درست تر خواهد بود. شناخت درست از هستی و خالق آن آدمی را منبسط می سازد. فهم درست از انسانها و مراتب آنها و ضعف ها و قوت هایشان تحمل انسان را در تعامل اجتماعی افزون می نماید. انسانی که خداوند را حاکم بر همه امور می داند و همه مردمان را بندگان او می بیند، از تنگ نظری و گردن فرازی دور می شود و به رفق ورزی و بردباری میل می کند. ۳۱ انسان در مراتب بندگی توانایی هایی می یابد که از جمله آنها توانایی بر خود است آنکه از خود می گذرد، مالک خود می شود و مدارا و بردباری در او جلوه می یابد و بردباری به معنای خود نگهداری است.

از امام حسن (ع) سوال شد حلم چیست؟ فرمود:

كظم الغيظ و ملك النفس؛^{۳۲} خشم را فرو خودرن و اختیار خود را داشتن.

دومین پیشوای معصوم مشهور به داشتن حلم حسنیّه است.

درباره رفتار کریمانه حضرتش نقل شده: مردی از اهل شام می گوید: روزی در مدینه شخصی را دیدم با چهره‌ای آرام و بسیار نیکو، لباسی در بر کرده که به طرز زیبایی آراسته و سوار بر اسب بود. درباره او پرسیدم گفتند: حسن بن علی بن ابیطالب است. خشمی سوزان سر تا پای وجودم را گرفت و بر علی بن ابیطالب حسد بردم که چگونه پسری دارد پیش او رفته و پرسیدم آیا تو فرزند علی هستی؟ وقتی تایید کرد، سیل دشنام و ناسزا بود که از دهان من به سوی او سرازیر شد، پس از آنکه به ناسزاگویی پایان دادم، از من پرسید: آیا غریب هستی؟ گفتم: آری. فرمود: با من بیا اگر مسکن نداری به تو مسکن می دهم و اگر پول نداری به تو کمک می کنم و اگر نیازمندی بی نیازت سازم. من از او جدا شدم در حالی که در روی زمین محبوب تر از او نزد من کسی نبود.^{۳۳}

درباره اخلاق پیامبر (ص) گفته شده: كان خلقه القرآن؛ اخلاق پیامبر (ص) قرآن بود. یعنی آن حضرت اخلاقی قرآنی بود و قرآن درباره رفتار جاهلانه مردم فرمان می دهد:

خذ العفو و أمر بالعرف و أعرض عن الجاهلین (اعراف، ۱۹۹/۷)

امام صادق (ع) از رسول خدا (ص) روایت کرده است:

پیامبر خدا (ص) فرمود: آیا شما را از شبیه ترین تان به خودم خبر ندهم؟

پس فرمود: خوش خلق ترین و نرم خوترین و نیکوکارترین تان نسبت به خویشانش، و

با محبت ترین نسبت به برادران دینی اش، و بردبارترین بر حق و خشم فروبنده ترین تان، و

باگذشت ترین تان و انصاف ورزترینان در حال خشنودی و خشم.^{۳۵}

رسول خدا (ص) در فرازهایی چند به امام حسن (ع) می فرماید:

اشبهت خلقی و خلقی؛ تو از نظر صورت و سیرت مانند من هستی.^{۳۶}

حلم حسن و شرافت عقلانی

پیش تر بیان کردیم که تکریم، اختصاص به عنایت و شرافت دادن به خصوصیتی است که در دیگران نباشد، و شرافت و کرامت انسان نسبت به سایر موجودات به واسطه نیروی عقلانی است و در روایات وارده از اهل بیت (ع) محبوب ترین مخلوقات در نزد خداوند

عقل است. و مراد از عقل، عقل فطری و سلیم است که وارسته از تعلقات باشد، با چنین عقل سلیم و وارسته ای می توان در بحر عمیق معارف قرآن فرو رفت و مشکلات و معضلات را با کمک آن حل کرد. ۳۷ از این رو خداوند متعال می فرماید:

و عزتی و جلالی ما خلقت خلقا احب الی منک ۳۸؛ به عزت و جلالم سوگند موجودی محبوبتر از تو نزد خود نیافریدم.

در روایات، پایه و اساس بردباری، دانایی معرفی شده. از این رو امیرمومنان (ع) می فرماید: العلم اصل الحلم. ۳۹ و کمال العلم الحلم و کمال الحلم کثرة الاحتمال و الکظم ۴۰؛ کمال علم بردباری است و کمال بردباری بسیاری تحمل و فرو خوردن خشم است. و حُسن الحلم دلیل وفور العلم ۴۱، نیکویی بردباری دلیل بسیاری دانایی است. از رسول خدا (ص) روایت شده:

لو کان العقل رجلا لکان الحسن ۴۲، اگر عقل در مردی مجسم می شد همانا حسن بود.

اصل عزتمندی

ثمره دارنده خلق عظیم و دانایی، عزتمندی است. انسانی که از حلم و عقل برخوردار باشد، از عزت نفس و شرافت نفسانی برخوردار گشته او را از سایر هم نوعان خویش ممتاز می گرداند. چنین انسانی هیچ یک از حوادث و عوارض مادی در او خللی ایجاد نمی کند و او را همانند کوهی استوار و عزمی راستین در مقابل مصائب و مشکلات و بلاها می گرداند، و انسان کریم وجودی عزتمند است. درباره امام حسن (ع) روایت شده که آن حضرت از نظر قیافه و زیبایی به قدری باشکوه بود که بنا به نقل سیره نویسان بعد از رسول خدا (ص) هیچ کس همچون او چهره شکوهمند نداشت. در بیرون خانه اش فرشی می گسترانند، وقتی آن حضرت از خانه بیرون می آمد و روی آن می نشست هر کس از آنجا عبور می کرد مجذوب جمال و کمال آن حضرت می شد و همانجا توقف می کرد و بر اثر ازدحام جمعیت راه عبور قطع می شد. وقتی کار به اینجا می رسید آن حضرت برمی خاست و به خانه اش می رفت. ۴۳

به امام حسن (ع) گفتند: فیک عظمة؛ شما عظمت خاصی دارید. امام (ع)

فرمود: لا بل عزه لله، قال الله تعالی: فلله العزة و لرسوله و للمؤمنین. ۴۴

از حذیفه بن یمان نقل گردیده: من با جمعی از مهاجر و انصار در یکی از کوههای مکه (در

ماجرای فتح یا حجة الوداع) همراه پیامبر (ص) بودیم. ناگاه حسن (ع) را دیدیم که با شکوه و وقار مخصوصی به سوی ما می آید. رسول خدا (ص) به او نگریست و در شأن او فرمود: جبرئیل راهنمای حسن و میکائیل استوار کننده اوست. او فرزند من و پاک سرشت از خودم و یکی از دنده های پیکرم می باشد. این کودک نبیره من و نور چشم من است. پیامبر (ص) برخاست و ما نیز برخاستیم و به استقبال حسن شتافتیم، در حالی که پیامبر (ص) به حسن (ع) می فرمود: انت تفاحتی و انت حبیبی و مهجة قلبی. در این هنگام پیامبر (ص) دست حسن (ع) را گرفت و ما هم نیز به همراه آنها حرکت نمودیم. تا اینکه در مکانی نشستند ما نیز همانجا در محضر پیامبر نشستیم. پیامبر (ص) همچنان به چهره حسن (ع) می نگریست سپس فرمود: به زودی حسن (ع) بعد از من رهبر و راهنمای مردم خواهد شد. او هدیه خداست که به من عنایت کرده، خیر از من می دهد و آثار مرا به مردم می شناساند. سنت مرا زنده می کند و امور مرا در کارهایش برعهده می گیرد. خداوند به او نظر مرحمت می نماید. خداوند آن کس را که مقامات حسن (ع) را بشناسد و در مورد او به من نیکی کرد و مرا گرامی بدارد رحمت کند. ۴۵

اصل سخاوت و بخشش

در بررسی واژه کریم بیان شد، کریم از اسمای حسناى الهی است که در غیر خدا نیز به کار می رود و اگر در وصف خداوند به کار رود، مراد از آن احسان و نعمت آشکار است اما در نزد عامه مردم این اصطلاح در مورد افراد سخاوتمند و بزرگواری نیز به کار می رود. یکی از ویژگی های اخلاقی امام حسن (ع) که زبانزد عام و خاص بود، بذل و بخشش آن جناب در راه خدا بود که شامل حال غنی و فقیر می شد. زمانی که اسماعیل بن یسار همراه عبدالله بن انس برای گرفتن پول به شام نزد معاویه رفته و چیزی به دست نمی آورند اسماعیل در شعری به دوستش ابن انس می گوید:

لعمری ما الی حسن رحلنا ولا زرنا حسینا باین انس

یعنی به جان تو سوگند ای فرزند انس ما به سوی حسن نرفته و به زیارت حسین نشتافته بودیم. که مقصود او اینست که اگر به زیارت این دو برادر رفته بودیم با دست پر باز می گشتیم. ۴۶ امام (ع) در طول زندگی حدود سه بار و هر بار نیمی از مایملک خود را در راه خدا

بخشید. ۴۷ سیره امام در بخشش، شامل نیازمند و بی نیاز می شد چنانچه از ابوهارون نامی نقل شده: در سفر حج به مدینه رفتیم و گفتیم سری به فرزند رسول خدا (ص) بزنیم و سلامی به او بکنیم. نزد آن بزرگوار رفتیم و از سفر خود گفتیم، وقتی بازگشتیم برای هر یک از ما چهارصد درهم فرستاد. نزد آن حضرت برگشته و گفتیم: وضعمان خوب است. حضرت فرمود: لاترد و علیّ معروفی. ۴۸

سخن گفتن درباره کسانی که مظهر جمال و جلال کبریایی هستند و محوریت نظام آفرینش بر آنان استوار است و شجره طیبه و کلمات خداوند پیش از ایجاد جهان هستند امکان پذیر نیست. حسنین (ع) به واسطه زیبایی های ظاهری و باطنی شان زینت بهشت و عرش الهی واقع گردیده اند. از این رو از رسول خدا (ص) روایت شده: بهشت به درگاه خدا عرض کرد: آیا به من وعده نداده ای که رکنی از رکن های خود را در سرای من ساکن کنی؟ خداوند به بهشت وحی کرد: اما ترضین ائی زینتک بالحسن و الحسین: در این هنگام بهشت بر اثر شادی همچون عروس شکفته شد... ۴۹

نبی مکرم (ص) مکرر در سخنان خویش می فرمود:

الحسن و الحسین سیدا شباب اهل الجنة هما ریحانتي من الدنيا. ۵۰
و درباره امام حسن (ع) فرموده است:
من سره ان ينظر الی سید شباب الجنة فلينظر الی الحسن بن علی (ع).

نتیجه

شخصیت و فضایل امام حسن (ع) را در لابه لای آیات قرآن و روایات نبوی با توجه به آیات تطهیر، مباحله و... می توان یافت. آن حضرت خلق و خوی قرآنی داشت و مصداق عینی انک لعلی خلق عظیم بود، زیرا به فرموده پیامبر در خلق و خوی و خلقت شبیه پیامبر (ص) بود. رفتار کریمانه آن حضرت ریشه در اصل شرافت و نفاست ذاتی، که برخاسته از عقل و حلم بود، استوار بود. عقل و حلم منشا بسیاری از سجایای حسنه انسان در سیره فردی و اجتماعی می گردند.

هنوز از قدر او باشد فزونتر	سخن گر بگذرد از چرخ اخضر
رسانیدن به قدرش کی توانم	سخن را گر به علیین رسانم
زبان ما ز وصف اوست قاصر	کمالش گر چه نزد ما است ظاهر

۱. محمد باقر مجلسی، جلاء العیون / ۳۷۹؛ سید محمد نقی مدرس، زندگینامه چهارده معصوم / ۳۱۸.
۲. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ۲ / ۳۲۸؛ نهج البلاغه، خطبه ۳.
۳. زیارت جامعه کبیره، مفاتیح الجنان / ۹۸۳.
۴. جلاء العیون / ۳۸۷.
۵. حاکم نیشابوری، مستدرک، ۳ / ۱۴۷؛ رسول جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه / ۱۲۰.
۶. علامه عسکری، دو مکتب در اسلام / ۴۴۶.
۷. شیخ مفید، ارشاد، ۵ / ۲.
۸. علامه عسکری، آیه تطهیر / ۴۷.
۹. علامه طباطبائی، المیزان، ۱۶ / ۴۹۶.
۱۰. المیزان، ج ۳؛ زمخشری، الکشاف، ج ۱.
۱۱. جلاء العیون / ۴۲۹؛ ارشاد، ۵ / ۲.
۱۲. اصول کافی، ج ۲؛ المیزان، ۴ / ۶۵۷.
۱۳. سوره هود، آیه ۲۹ و ۵۱.
۱۴. محمد باقر محقق، شان نزول آیات / ۸۴۸، المیزان، ج ۲۹.
۱۵. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ۲۴ / ۷۹.
۱۶. المیزان، ۱۵ / ۲۰۰-۲۰۱.
۱۷. همان، ۱۲ / ۹۱-۹۲.
۱۸. راغب اصفهانی، مفردات، ۳ / ۱۲؛ یس / ۱۱، اسراء / ۷۰ و ۶۲، یوسف / ۲۱ و حج / ۱۸.
۱۹. همان، ۲ / ۱۲.
۲۰. المیزان، ۲۵ / ۲۶۸-۲۷۱.
۲۱. نهج البلاغه، حکمت ۴۳۶.
۲۲. همان، حکمت ۴۳۹.
۲۳. فرهنگ معین، ۱ / ۱۱۲۶.
۲۴. مصطفی دلشاد تهرانی، سیره نبوی، ۲ / ۷۰-۷۱.
۲۵. شمائل الرسول / ۹۱.
۲۶. مکارم الاخلاق / ۱۸.
۲۷. نهج البلاغه، حکمت ۹۶.
۲۸. سوره فرقان، آیه ۶۳-۷۲.
۲۹. حسن مصطفوی، شرح مصباح الشریعه / ۱۵۴.
۳۰. غرر الحکم، ۴ / ۲۸۵.
۳۱. شرح مصباح الشریعه / ۲۳۸.
۳۲. تحف العقول / ۱۵۸.
۳۳. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه / ۱۶۷؛ الکامل فی الادب، ۱؛ کشف الغمه، ۲ / ۱۳۵.
۳۴. فیض کاشانی، المحجة البيضاء، ۴ / ۱۲۰.
۳۵. اصول کافی، ۲ / ۲۴۰.
۳۶. الارشاد، ۲ / ۲.
۳۷. حسن زاده آملی، هزار و یک نکته، ۱ / ۶۹.
۳۸. اصول کافی، ۱ / ۱.
۳۹. غرر الحکم، ۱ / ۲۴۹.
۴۰. همان، ۴ / ۶۲۸.
۴۱. همان، ۳ / ۳۸۵.
۴۲. فرائد السمطین، ۲ / ۶۸، به نقل از کتاب زندگانی امام حسن اثر: محمدی اشتهاردی و حیات سیاسی فکری امامان شیعه / ۱۲۱.
۴۳. بحار الانوار، ۴۳ / ۳۸.
۴۴. همان، و ربیع الابرار، ج ۳.
۴۵. همان / ۳۳۳ تا ۳۳۵.
۴۶. حیات سیاسی فکری امامان شیعه / ۱۶۶. به نقل از الاغانی، ج ۴.
۴۷. همان.
۴۸. همان.
۴۹. کشف الغمة، ۲ / ۹۶.
۵۰. الفصول المهمة / ۱۳۴، به نقل از زندگانی امام حسن / ۳۰.
۵۱. اعلام الوری / ۲۰.